

انسانیت‌زدایی از خدا و جهان در فلسفه جدید

حامد شیواپور*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۸

DOI: 10.22096/ek.2020.135036.1248

چکیده

تا پیش از فلسفه جدید، تلقی غالب در اندیشه بشری نسبت دادن ویژگی‌های انسانی هم به خدا و هم به جهان بود. بر این اساس، می‌توان تشبیه یا انسان‌وارانگاری هم درباره خدا و هم درباره جهان را ویژگی غالب تا پیش از دوران جدید دانست. این ویژگی‌ها عمدتاً شامل مواردی چون داشتن ادراک و اراده بود. در دوره مدرن و با تحولات فکری و فلسفی بشر جدید، تدریجاً ویژگی انسانی از خدا و جهان نفی و سلب و تنها به انسان منحصر دانسته شد. در تلقی جدید، هم خدا عمدتاً خدای الهیات سلبی است و هم جهان تابع نیروهای مکانیکی و بنابراین فاقد نفس و به تبع آن ادراک و اراده است. بر این اساس به نظر می‌رسد مجاز باشیم تا از عنوان «انسانیت‌زدایی» از خدا و جهان در اندیشه انسان جدید سخن بگوییم. این تلقی جدید، درک انسان از خودش، خدا و جهان و نسبت این سه، آثار مهمی بر جای گذاشته است. واژگان کلیدی: الهیات سلبی؛ انسانیت‌زدایی؛ انسان‌وارانگاری خدا؛ انسان‌وارانگاری جهان؛ نفی علیت غایی.